

بندر عباس

بندر آفتاب زده بندر عباس که اکنون تاحدی متروک و دور افتاده بشمار می آید، زمانی یکی از معتبرترین مراکز تجاری مشرق زمین بوده و اهمیت و رونق فراوان داشته است. بندر عباس از شمال محدود است به شهرستان سیرجان از خاور به جیرفت از جنوب به دریای عمان و از باختر به شهرستان لار. این بندر بواسطه موقعیت خاص خود از مهمترین نقاط خلیج فارس محسوب میشود.

کرانه بندر عباس که در ۵۵ کیلو متری مشرق بندر خمیر و در کرانه شمالی تنگه هرمز که مدخل خلیج فارس است قرار گرفته، بر روی زمین سنگی و شنی واقع شده است که هر قدر از کرانه دور میشود بتدریج ارتفاع پیدا میکند و عاقبت به سلسله کوههایی منتهی میشود.

سابقه تاریخی - اگر چه سابقه تاریخی بندر عباس به نسبت سایر شهرها و بنا در ایران چندان طولانی نیست ولی تاریخچه جالبی دارد که ذکر آن خالی از لطف نمی-

باشد و از آنجا که تاریخ و پیدایش بندر عباس ارتباط مستقیم با تاریخ بندر هرمز دارد ناچار باید بعنوان مقدمه شرحی درین خصوص بیان کرد: بندر هرمز از قرن چهارم تا هفتم هجری بزرگترین مرکز بازرگانی و دادوستد جنوب ایران بود. شهر مزبور از محل فعلی بندر عباس تقریباً دوازده فرسخ فاصله دارد. در قدیم در برابر شهر هرمز خلیج کوچکی وجود داشت که بتوسط آن بدریایرام می یافت اما اکنون این خلیج با شن دریا پر شده است.

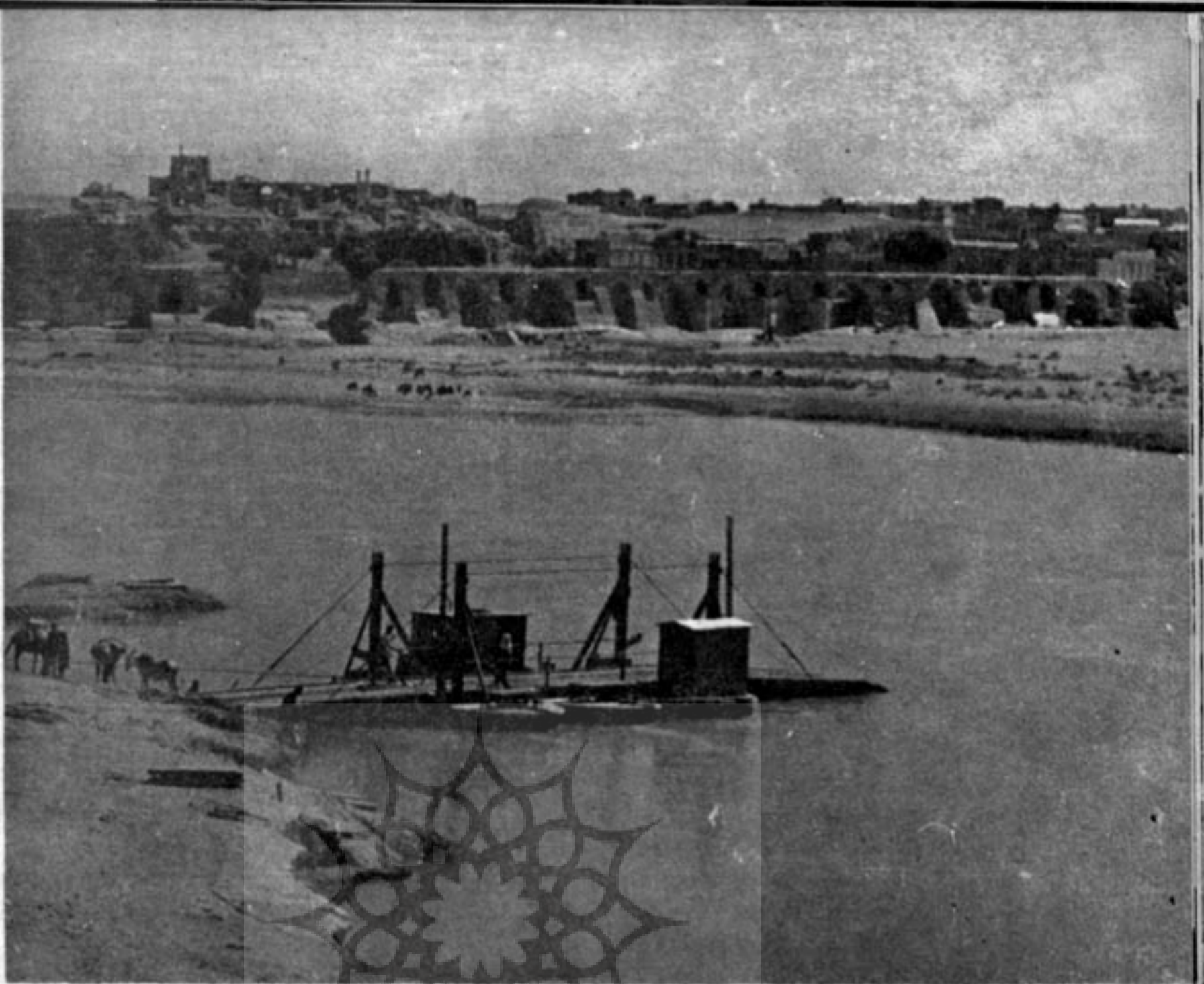
در اواخر قرن هفتم هجری این شهر در معرض حملات و چپاول قبایل غارتگر قرار گرفت، کار این تجاوز با آنجا رسید که اهالی ناچار به ترک شهر شدند و به نقاط امن تری مهاجرت کردند و عده ای از آنها به جزیره کوچکی بنام «جارون» رفتند و در آنجا اقامت گزیدند. فاصله این جزیره تا شهر هرمز قریباً یک فرسخ است. در اینجا بتدریج بندری بزرگ بنانهادند و نام آنرا هرمز نو گذاشتند ولی بتدریج کلمه «نو» از آخر این

اسم ساقط شد و باین ترتیب بندر هرمز معروف بوجود آمد. مدت سه قرون این شهر بزرگترین مرکز صادراتی و وارداتی جنوب ایران بود و معتبرترین بندر ایران بلکه مشرق زمین بحساب می آمد، آواز ژیبانی و عظمت این بندر در همه جهان پیچیده بود تا آنجا که شعری هم بزبان لاکین در وصف آن سروده بودند باین مضمون:

اگر تمام جهان را حلقه انگشتری بدانیم هرمز مرواریدی است که نگین آن خواهد بود.

اهمیت موقعیت دریایی هرمز در سال ۹۱۲ هجری بر برتقالیها آشکار شد یعنی هنگام کشف راه بحری هند بسرحداث جنوبی، در این سال دریا سالار معروف پرتغالی موسوم به آلبو کرک در ضمن تصرف عدن در صدد برآمد که جزیره هرمز را که در مدخل خلیج فارس است تصرف کند تا بر تمام خطوط تجاری خلیج دست یابد و نظر باینکه شاه اسمعیل صفوی گرفتار جنگ با عثمانی ها بود و از طرفی نیروی دریایی مجهزی نداشت،

بآسانی منظور خود را عملی کرد اما پس از یکسال بعلت شورش و بسلوای کارکنان کشتی های خود مجبور به ترک این جزیره شد. آلبو کرک هفت سال بعد باز ب فکر تصرف جزیره هرمز افتاد و این بار باینر و های قوی و مجهزی به خلیج فارس داخل شد و برای مستحکم ساختن وضع خود در جزیره هرمز، جزیره قشم را نیز متصرف شد. از جمله دیههایی که سربازان پرتغالی تصرف کردند دهکده ای بود در ساحل اراضی ایران بنام کامبرون که نام قدیم آن «سورو» یا «شهر» بوده و در ساحل دریا بقاصله سه یا چهار فرسخ در شمال غربی بندر هرمز و مغرب بندر عباس فعلی قرار داشته و با احتمال قوی انتهای جاده قافله رو بین شیراز و داراب کرد بوده است. باری پرتغالیها برای اینکه بندر کامبرون از حمله و تجاوز از سمت دریا محفوظ باشد قلعه مستحکمی در آنجا بنا کردند که آثار آن هنوز باقیست. این اولین مرتبه ای است که در تاریخ از کامبرون نام برده شده و



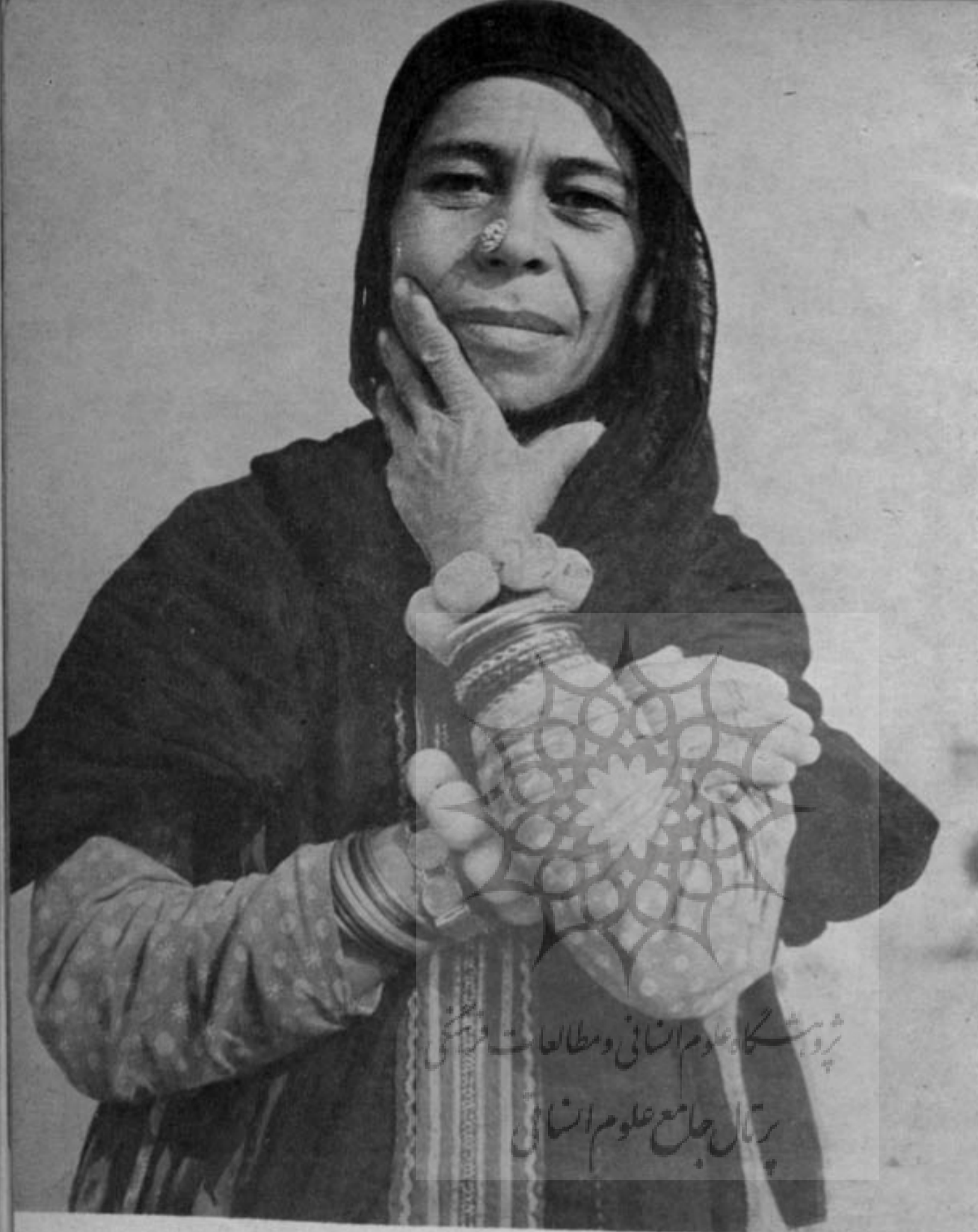
چشم اندازی
از بندر
عباس

بود و با کشتی‌های جنگی خود در خلیج فارس جلو پیشرفت سایر دول را می گرفتند اما در زمان شاه سلیمان تجارتشان در ایران محدود گردید و حتی از فروش ابریشم مرغوب بآنها خودداری میشد و چون شکایت‌های مکرر هلندیها بدربار بی نتیجه می ماند بندرعباس را کلوله باران کردند اما بواسطه وجود کشتی‌های انگلیسی و فرانسوی کاری از پیش نبردند. در دوره تسلط افغانه، بندرعباس مورد دستبرد و غارت راهزنان بلوچ بود تا اینکه نادرشاه افشار نظم و امنیت را احاده کرد. در سال ۱۷۳۴ نادرشاه برای تامین هزینه لشکر کشی های خود مالیات سنگینی بکمپانی هند شرقی بست که پرداخت آن برای کمپانی میسر نبود. علاوه بر این نادر بندرعباس را مرکز پادگان نیروی دریائی خود ساخت و اینها همه سبب شد که بندرعباس رونق و اعتبار بازار کانی خود را از دست بدهد. چندی بعد در نتیجه پیسداش جنگ‌های هفت ساله در اروپا وضع

مزبور رو بخرابی گذاشت و اغلب ساکنان آن، خانه‌ها و عمارت خود را خراب و مساعی خود را مصروف ساختن بنای جدید بندرعباس میکردند. شاه عباس بطاظر مساعدت کمپانی هند شرقی در چنگ با پرتقال بوعده‌هایی که بایشان داده بود وفا کرد از جمله عمارتی در ساحل دریا در اختیار ایشان گذاشت که در آنجا کارخانه‌ای برای خود بنا کنند. صادرات انگلیس از طریق بندر عباس عبارت بود از ایشم کرمان و ابریشم و واردات آن عبارت بود از انواع قماش و سرب و برنج و بابر و ناروف چینی. در همان اوان که بندرعباس مرکزیت پیدا میکرد هلندیها بآنجا وارد شدند و از شاه عباس اجازه گرفتند که در تجارت ابریشم ایران سهم کردند و این اجازه بآنها داده شد. یکی از اقلام عمده واردات هلندی ها انواع عطریات بود که از آن نفع بسیار میبردند. در زمان شاه عباس دوم تجارت هلندیها بمراتب بیش از انگلیس ها

در زمان شاه عباس کبیر دولت ایران در صدد برآمد که اراضی مسلم خود را از پرتغالیهای غاصب پس بگیرد. بدنبال تصرف بحرین در سال ۱۰۱۰ هجری از طرف سپهسالار ایران، امام قلیخان حاکم فارس از رقابت تجار انگلیسی با پرتغالیها استفاده کرد و بانمایندگی کمپانی هند شرقی علیه پرتغالیها متحد شد. پس ازین معاهده امام قلیخان با سپاهیان خود ببندر کمپرون و از آن جا بجزیره هرمز روی آورد و انگلیس ها هم از راه دریا بطرف آن جزیره حرکت کردند. و باین ترتیب در سال ۱۰۲۲ دست پرتغالیها از جزیره هرمز که مدت یک قرن در تصرف داشتند کوتاه گردید. پس از فتح کمپرون قلعه آنرا خراب و بندر دیکی در نزدیکی آن بنا کردند و با فتح این فتح نام آنرا به بندر عباس تغییر دادند. سقوط هرمز نه تنها برای قوای پرتغال بلکه برای خود آن جزیره هم موجب خسارات و زیان فراوان گردید. از آن تاریخ جزیره

معلوم نیست بندر مزبور کی و بدست چه کسی بنا شده است. پرتغالیها آنرا کاما بارائو مینامیدند. جهانگردان و سیاحان خارجی که بعد ها بآنجا آمدند این کلمه را تحریف کردند و آنرا با تلفظ‌های مخصوص خواندند و نوشتند بعضی آنرا کامپرون و عده‌ای کامپرون و برخی نیز کامرون خواندند و بوجوه مختلفی نیز تاویل کردند و گفتند کمپرون از کلمه کمرون که اصلا ترکی است مشتق شده است. یک سیاح هلندی نام لوبر و این در سیاحت نامه خود بنام « مسافرت بروسیه و ایران و هند شرقی » مینویسد که پرتغالیها بندر مزبور را کمپرنک میخواندند و چنین توضیح میدهد که چون ماهی مخصوصی که در آب های ساحلی آن بندر فراوان بود بزبان پرتغالی کامپری نام دارد از این جهت نام بندر کامپرنک از اسم آن ماهی مشتق شده است. عده‌ای از محققان معتقدند که کلمه کامپرون از کلمه « جارون » که نام اصلی جزیره هرمز است مشتق شده و گویا این وجه اصح باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه دیجیتال ملی
 کتابخانه ملی و سازمان اسناد و کتابخانه ملی

از ساکنان
 بومی
 بندرعباس

نکاتی چند از سیاحت نامه ها
 شاید نخستین مردانگیسی که پای بر این بندر نهاد جان نیویسری بازرگان باشد که در سال ۱۵۱۸ هنگام مراجعت خود از هرمز یکی دو روز درین بندر اقامت گزید. او نوشت است که: پرتغالیها قلعه ای درین بندر ساخته اند که هشت نفر سر باز محافظه آیند. این بندر ابتدا به امرای لار تعلق داشته ولی اکنون متعلق بامرای هر

واعتماد سابق خود را از کف داده بود ولی کشتی های خارجی گاهگاه برای بارگیری بآن بندر داخل میشدند و همین امر تاحدی موجب حفظ آبادی آن بندر بود ولی چون آب دریا در ساحل بندرعباس عمیق چندانی نداشت و کشتی های بزرگ نمیتوانستند کاملاً بساحل نزدیک شوند و مجبور بودند لااقل بفاصله دو میل از ساحل لنگر بیندازند بندرعباس بتدریج از نظر افتاد.

وعبارات آنجا روی خرابی گذاشت. در اواخر سده هیجدهم میلادی دولت ایران این بندر و قسمتی از اراضی مجاور آنرا بامیر مسقط اجاره داد و بعد از سر آمدن مدت اجاره، دیگر حاضر نشد که اجاره بندرعباس را تمدید کند و برای رسیدگی بامور مردم حاکمی از طرف خود به آنجا اعزام داشت. از این تاریخ به بعد چون بندر بوشهر بیشتر محل آمد و رفت کشتی های بازرگانی شده بود بندرعباس رونق

انگلیسی ها در خلیج تاحدی آشفته شد و پس از اینکه کشتی های فرانسوی تجارتخانه های انگلیس را در بندرعباس با بدست سال کریمیان ۱۷۶۳ مرکز تجارت خود را از بندرعباس به بصره انتقال دادند.

هلندیها و فرانسوی ها نیز در سال ۱۷۶۵ بندرعباس را ترک کردند و تجارتخانه خود را در بصره تشکیل دادند. پس از اینکه اتباع اروپائی این بندر را ترک گفتند بتدریج خانه ها



و کودکی...

مجاورت با زمین ریشه پیدا کرده و باز بصورت شاخه بالا آمده است. وجود این شاخه‌های تودرتو سبب شده که درخت فضای وسیعی را در زیر سایه خود بگیرد بطوریکه صد نفر در کمال آرامش و آسایش میتوانند در زیر آن استراحت کنند.

دکتر فرایرانگلیسی که در سال ۱۶۷۶ مقیم بندر عباس بوده مینویسد وسعت شهر از هر طرف بندر در طول ساحل بیش از یک میل است و سه قلعه شهر را حفاظت میکند. معابر و خیابانها کمی تنگ است

وسرگرمی بندر عباس می‌آید و انواع اجناس و کالا از قبیل قالی ابریشم و پارچه‌های نخی و غیره توسط کاروان‌ها از دورترین نقاط باین بندر حمل میشود و آنجا سایر نقاط صادر میگردد. توماس هربرت همچنین متذکر میشود که درآمد کم‌رکی این بندر از تمام بنادر ایران بیشتر است. همین نویسنده نقل میکند که در سمت شمال شرقی شهر بفاصله کمی درخت عظیمی از نوع انجیر بنگالی دیده میشود که از پس عظیم است هر تازه واردی بدیدن آن می‌رود، شاخه‌های این درخت بقدری طولانی است که از سنگینی وزن بزمین نزدیک شده و در نتیجه

صفوی فرستاد که از راه بندر عباس به خاک ایران وارد شد. به‌مراهی این سفیر نویسنده‌ای بود بنام توماس-هربرت که شرح مسافرت خود را بایران بصورت کتابی درآورد. او مینویسد:

بندر عباس از حیث آبادی از شهرهای درجه اول ایران محسوب میشود و خارجیانی که در این بندر بسر می‌برند عبارتند از انگلیسی، هلندی، دانمارکی، هندی، عرب، یهودی، ارمنی، پرتغالی، گرجی و روسی که همه مشغول تجارت هستند از اطراف و اکناف خلیج فارس مردم برای تفریح

است که دست‌نشانده پرتغالیها هستند. در سال ۱۶۱۶ ادوارد کونوک که از طرف کمپانی هند شرقی در ایران مأموریت داشت اظهار امیدواری کرد که تا یکی دو سال دیگر بتواند ۵۰۰ ای را درین بندر که معلوم بود آتیه درخشانی خواهد داشت مقیم سازد. کونوک کمپرون را بهترین بندر ایران معرفی میکند و مینویسد کشتی‌ها بجز ظرفیتی که باشند نمیتوانند درین بندر تحت حمایت توپهای قلعه مستحکم واقع شوند.

در ماه ژانویه سال ۱۶۲۸ دولت انگلستان سفیری بدربار شاهنشاه



ومردی...

پژوهش‌های مردم‌شناسی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

مطالبی که ساکنان بندرعباس از دوره‌های گذشته راجع به اروپایی‌ها نقل میکرده‌اند و ولستد در کتاب خود نوشته خاطرۀ فدح‌های پر از مشروب پنج و طرز میگساری و تفریح و سرگرمی اروپایی‌ها و همچنین موضوع ولخرجی و اسراف و تبذیر در زندگی پرتجمل آنها بوده است.

بندرعباس امروزی

اکنون بندرعباس از صنایع جدید، دارای يك کارخانۀ ریسنده‌گی در ۲ کیلومتری و يك کارخانۀ کنسرو سازی در ۵ کیلومتری خاوری شهر است که هاهم آن به‌یارمطلوب میباشد. ایجاد این کارخانه‌ها در بندر

بنام چارلز از بندرعباس یدن کرده است و راجع به آن مینویسد و سایل تفریح و سرگرمی که توسط هلندیها درین بندر تدارک شده بسیار قابل توجه است. ضمناً بمشروب معروف به پنج که از پنج ماده آب و شکر و آب لیمو و الکل و ادویه ترکیب شده اشاره میکند و میگوید این مشروب بین ساکنین این بندر زیاد مصرف میشود. این نویسنده از بسیاری متوفیات در بندرعباس انتقاد می کند.

در سال ۱۸۳۰ شخصی بنام ولستد از بندرعباس دیدن کرده و جمعیت آنرا در حدود چهار تا پنج هزار نفر تخمین زده است. از جمله

این نویسنده از گرمای شدید کمبرون بسیار شکایت میکند و میگوید هوا در اینجا بقدری گرم است که مردم بطور شوخی میگویند از بندرعباس تا جهنم چند ازگشتی بیشتر فاصله نیست.

در این تاریخ درسه فرسخی شمال کمبرون يك قطعه بیلاقی بوده است که اغلب بازرگانان هندی و اروپائی که وسیع مالی داشتند در آنجا باغی برای خود تهیه کرده بودند و در آن سر میبردند. درین ناحیه آب گوارایی جاری بوده و درخت‌های زیاد مردم را بسایه خود پناه میداده است. تقریباً سی سال بعد سیاح دیگری

ولی این تنگی معابر برای بازرگانان حسنی در بر دارد و آن اینکه از یکطرف خیابان چادری بطرف دیگر میزنند و بدین ترتیب مشتریان خود را از گرما محفوظ نگاه میدارند.

دکتر فرایر همچنین نوشته است بندرعباس از فراز کارخانۀ انگلیس‌ها منظره بسیار بدیعی دارد ولی زیباترین مناظره الاغ سواری ملوانان انگلیسی است که برای مرخصی بساحل میآیند. الاغ‌های بندری که از حیث چابکی و پاکیزگی مانند ندارند غالباً سواران انگلیسی خود را بزمین میزنند و مردم از تماشای آن منظره بخنده میافتند.



شادی... پروژسکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (عکس از بندرعباس)

رتال خلق علوم انسانی

۲ - پروژه برق بعثت تقلیل اعتبارات سازمان برنامه حذف شده
 ۳ - قرارداد ساختمان سد ساحلی در تاریخ ۱۴/۸/۳۹ قرارداد مبلغ ۹۱۴/۹۰۰ ریال با شرکت جهان بین منعقد و مبادله شده است.
 ۴ - آب مشروب بمنافسه گذارده شده و تاریخ افتتاح پیشنهادات واصله روز بیست و نهم فروردین خواهد بود.

مثل سابق آباد کردد. آبادانی بندرعباس

در قراردادیکه بین سازمان برنامه با شهردای بندرعباس منعقد شده عملیات زیر برای آبادانی این بندر منظور گردیده است

۱ - اسفالت ۱۵۶/۱۰۶ و ۱۱۹

۲ - برق ۱۴/۰۰۰ و ۰۰۰

۳ - آب مشروب ۳۱۰/۰۰۰ و ۸۴

۴ - سد ساحل ۱۱۰/۰۰۰ و ۷

در اجرای قراردادهای فوق بشرح زیر اقدام شده است :

۱ - پروژه اسفالت به مبلغ

۱۱۹/۶۵۹ و ۱۱۰ ریال خاتمه یافته

تحويل شده است.

بسیار فرح فزاست . در شمال شرقی بندرعباس دهکده کولاش گزند قرار دارد که بعقیده بعضی از مورخستان بدست اسکندر مقدونی ساخته شده و سابقاً اسکندریه نیز نام داشته است .

بندرعباس از لحاظ بازرگانی اهمیت زیادی دارد ، و نظر باینکه انتهای جاده شیراز و اصفهان و تهران و جاده لار و کرمان است بامختصر توجهی ممکن است آبادی و رونق سابق خود را کسب کند و لسی چون بندر شاهپور فعلاً دارای وسایل بندری است و خط آهن سراسری هم بآن بندر ختم میشود بندرعباس نمیتواند بدون توجه و همت اهالی خود دوباره

عباس تأثیر فراوان در آبادی و فراوانی کار و تأمین آسایش اهالی داشت . علاوه بر این جاده‌ای ازین بندر بکرمان کشیده شده که برای هردو شهر بسیار مفید است . ایجاد این جاده سبب افزایش جمعیت بندرعباس شد و طبق آخرین آمار جمعیت این شهر بالغ بر ۱۷۷۱۰ نفر است .

آب آشامیدن شهر بوسیله لوله کشی از قریه‌ایسین بداخل شهر در محل‌های مخصوصی در دسترس مردم گذاشته شده است .

در دهکده میناب و حوالی بندرعباس نخلستانهای فراوانی دیده میشود که مخصوصاً در فصل گرم